

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

در مورد تمسک به اطلاق عرض کردیم که چون جهت مهم در بحث اجزاء این است که آیا می‌توان به اطلاق ادله اضطراری تمسک کرد یا نمی‌توان تمسک کرد؛ که کلمات را بیان کرده و تقریباً به این نتیجه رسیدیم که تمسک به اطلاق هیچ معذوری ندارد. وقتی که مولا می‌فرماید: در صورتی که «فاقد الماء» بودید تیمم کنید، این اطلاق دارد؛ اعم از اینکه بعد از رفع اضطرار مأمور به اختیاری آورده شود یا آورده نشود و همین اطلاق در اجزاء و اینکه حکم به اجزا کنیم، هم به نسبت به اعاده و هم به نسبت به قضا کفایت می‌کند.

از کلمات مرحوم آخوند خراسانی (ره) استفاده می‌شود که ایشان تمسک به اطلاق را نسبت به هر دو، یعنی هم نسبت به اعاده و هم نسبت به قضا جاری می‌داند.

به بیان دیگر ایشان فرموده: با تمسک به اطلاق هم عدم وجوب اعاده و هم عدم وجوب قضا را نتیجه می‌گیریم و ما هم طی این چند روز به همین نتیجه رسیدیم که مسئله اطلاق آن قدر قوی و محکم است که از آن استفاده می‌شود که وقتی مأمور به اضطراری آورده شد، اینجا اطلاق دارد و دیگر اعم از این است که در داخل وقت یا خارج وقت مأمور به اختیاری آورده شود یا نشود.

حال در فرض اضطرار اشکال مرحوم آقای خوئی (ره) را هم عرض کرده و گفتیم که: اصلاً به یک معنا خارج از فرض است.

کلام محقق اصفهانی (ره) در مورد اطلاق

این خلاصه نتیجه مباحث گذشته بود، ولو بنا بود که امروز نظر مرحوم محقق نائینی (ره) را عرض کنیم که ایشان راه دیگری برای اجزاء مطرح کرده، اما چون مرحوم محقق اصفهانی (ره) در مورد همین اطلاق مطالبی دارد، لذا مطالب ایشان را هم عرض کنیم و این بحث اطلاق را ان شاء الله خاتمه دهیم.

مرحوم محقق اصفهانی (ره) (نهایة الدراية، ج 1، ص 386) فرموده‌اند: دلیل مطلق را چه چیزی می‌خواهیم قرار دهیم؟ اگر دلیل مطلق را مثل روایت «التراب أحد الطهورين» قرار دهیم، ایشان اطلاق را در آن پذیرفته و فرموده: اطلاقش به لحاظ جمیع آثار است، یعنی هم اداء و اعاده و هم قضاء که بنا بر این فرض اطلاق را پذیرفته‌اند و دیگر بحثی ندارند.

اما فرموده‌اند: اگر دلیل مطلق را بخواهیم این آیه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» قرار دهیم، در اینکه آیا می‌توان به این اطلاق تمسک کرد یا نمی‌توان تمسک کرد؟ باید تفصیل بدهیم.

لذا در مسئله تفصیل داده و فرموده: «إِنْ كَانَ لَهُ إِطْلَاقٌ مِنْ جِهَتَيْنِ» اگر این «فَلَمْ تَجِدُوا» از دو جهت اطلاق داشته باشد؛ یک جهت اینکه بگوییم: «فَلَمْ تَجِدُوا» مطلق است، اعم از اینکه در تمام وقت یا بعض وقت آب پیدا نکند و بگوییم: اطلاق در «فَلَمْ تَجِدُوا» شامل ارتفاع عذر و اضطرار در وقت هم می‌شود، پس این یک جهت اطلاق است که بگوییم: «فَلَمْ تَجِدُوا» اختصاص به «عدم الوجدان في جميع الوقت» ندارد.

جهت دوم اطلاق این است که بگوییم: این امر «فَتَيَمَّمُوا» مقید به تخییر نیست - تقیید به تخییر را قبلاً معنا کردیم که در عبارت مرحوم آخوند(ره) هم در آن صورتی که محل بحث بود مطرح شد - تخییر معنایش این است که بگوییم: مخیر است بین اینکه در زمان اضطرار، عمل اضطراری را انجام دهد و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را انجام دهد و یا اینکه صبر کند و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را انجام دهد.

در اینجا می‌گوییم که: این «فَتَيَمَّمُوا» مقید به تخییر نشده است، چون تقیید به تخییر نیاز به قرینه دارد و اصاله الإطلاق این تقیید به تخییر را از بین برده و می‌گوید: وقتی که مضطر شدید، به نحو تعیین عمل اضطراری بر شما لازم است و دیگر مسئله تخییر در اینجا مطرح نیست و اصاله الإطلاق این تخییر را از بین می‌برد.

مرحوم محقق اصفهانی(ره) فرموده: اگر در این «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً» از دو جهت اطلاق داشته باشیم، نتیجه می‌گیریم که بعد از امر اضطراری اعاده واجب نیست و اگر اعاده واجب نباشد نتیجه می‌گیریم که بدل مشتمل بر مصلحتی است که نیازی به تدارک ندارد که نتیجه‌اش این است که قضا واجب نیست.

پس دقت کنید که اگر از دو جهت اطلاق داشته باشیم، نتیجه این می‌شود که بدل وافی بر مصلحت مبدل است، حال یا همه مصلحت و یا عمده مصلحت و آن مقداری که از مصلحت باقی می‌ماند، نیازی به جبران و تدارک ندارد، و لذا نتیجه می‌گیریم که قضا هم لازم نیست.

اما بعد فرموده: اگر یکی از این دو اطلاق از بین برود و در یکی از این دو خدشه کنیم، «لامجال للإجزاء من حيث الإعادة و القضا»، یعنی دیگر مجالی نیست تا بخواهیم بگوییم که: در اینجا اجزا هست.

ایشان در اینجا عمده بحث را روی اطلاق دوم مسئله، یعنی خدشه بر اطلاق دوم متمرکز کرده‌اند. اطلاق دوم تقییدی بودن این عمل اضطراری را اقتضاء داشت که گفتیم: با اطلاق دوم تقیید به تخییر را نفی می‌کنیم. تقیید به تخییر این بود که در زمان اضطرار، عمل اضطراری را انجام دهیم و بعد از اضطرار، عمل اختیاری را انجام دهیم، یعنی این عمل را مجموعاً انجام دهیم و یا از اول اضطراری را ترک کرده و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را انجام دهیم که از این به عطف به «أو» یا تخییر تعبیر می‌کردیم و اصالت الإطلاق این تقیید به تخییر را از بین می‌برد.

حال اگر در این اطلاق مناقشه کرده و آن را کنار گذاشتیم، تنها راهی که باقی می‌ماند مسئله‌ی بدار است، یعنی ممکن است که قائلی بگوید: به صرف اینکه مولا بدار و مبادرت را تجویز کرده است، این تجویز به بدار با عمل اختیاری بعدی منافات دارد.

مرحوم اصفهانی(ره) فرموده: چه منافاتی بین این دو هست؟ اگر مولا بگوید: حال که اضطرار پیدا کردید، بلافاصله عمل اضطراری را انجام بدهید و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را هم انجام دهید و منافاتی بین این دو وجود ندارد.

پس اگر اطلاق را کنار گذاشتیم، ما هستیم و مسئله‌ی بدار که مرحوم محقق اصفهانی(ره) فرموده: بدار مسئله اجزاء را اثبات نمی‌کند و این نکته خیلی مهمی است که جواز بدار مسئله اجزاء را اثبات نمی‌کند و ممکن است که مولا بدار را جایز بداند، اما جواز بدار ملازمه با عدم وجود اختیاری بعد از رفع اضطرار ندارد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) همه این بحث‌ها بنا بر فرض دو امر است، حال به آن مسئله وحدت امر هم می‌رسیم، همه‌ی این بحث‌ها بنا بر این است که یک امر به نماز با طهارت ترابیه و یک امر هم به نماز با طهارت مائیه داریم، یعنی دو امر و دو مأموره است، یک مأموره اختیاری و یک مأموره اضطراری داریم.

کسانی که قائلین به عدم اجزاء می‌گویند: در فرض اضطرار مکلفید که اضطراری را انجام دهید و بعد از رفع اضطرار هم می‌گویند که: باید عمل اختیاری را هم انجام دهید و اصلاً نتیجه‌ی عدم اجزاء این است.

اگر کسی از اول عمل اضطراری را انجام نداد، نزد همه، هم قائل به اجزاء و هم قائل به عدم اجزاء، باید اختیاری را انجام دهد.

در این بحث از این جهت نکته خوبی را مرحوم اصفهانی(ره) تذکر داده که اگر کسی گفت: مولا اضطراری را واجب کرده و جواز بدار را هم داده، این دو هیچ منافاتی با هم ندارد و عبارتشان این است که «لما عرفت من أن تجویز البدار لا ینافی الأمر بما هو تکلیف المختار في الوقت علی نحو التخییر»، تجویز بدار منافات با امر به تکلیف مختار در وقت ندارد، البته ایشان باز فرموده: «علی نحو التخییر» که یا الآن اضطراری را انجام دهد و بعد اختیاری را و یا اینکه مجموعه را ترک کرده و بعد از رفع عذر اختیاری را انجام دهد.

ایشان فرمود: اگر در یکی از این دو اطلاق خدشه کردیم، دیگر اصلاً راهی برای اجزاء نداریم، نه از حیث اعاده و نه از حیث قضاء، چون وقتی که این دو اطلاق، یا هر دو یا یکی از آن از بین رفت، تنها راهی که برای اجزاء باقی می‌ماند مسئله‌ی بدار هست و بدار هم که ملازمه‌ای با مسئله اجزاء ندارد.

عدم ارتباط اطلاق امر اضطراری با مسئله قضا

بعد در دنباله فرمایششان مطلب دیگری را بیان کرده و فرموده‌اند: اطلاق در امر اضطراری هیچ اساس و ارتباطی با اجزاء از حیث قضاء ندارد، بلکه قضاء خودش یک امر تعیینی مستقل است، و لذا نمی‌تواند قید برای امر اضطراری قرار گیرد. زمانی قضا را انجام می‌دهیم که عذر تمام وقت را گرفته و بعد از وقت می‌خواهیم قضا را انجام دهیم، اما زمان امر اضطراری داخل وقت است، و لذا نمی‌تواند قید برای فعل در خارج وقت باشد.

اگر بگوییم: فعل در خارج وقت قید برای این مأموره اضطراری است، حال یا قید به نحو جمع یا به هر نحوی که می‌خواهد باشد، با اصالت الإطلاق می‌توان آن را از بین برد.

در بحث إطلاق تقیید مکرر ملاحظه کردید که نسبت بین اطلاق و تقیید، نسبت عدم و ملکه است، یعنی اطلاق در جایی معنا دارد

که تقييد معنا داشته باشد، حال اگر بگوئيم که: تقييد امر اضطراري به فعل در خارج وقت امکان ندارد و فعل خارج وقت یک واجب تعييني مستقل است، نه قيد براي وجوب اضطراري است و نه قيد براي واجب است. لذا اگر قيديت نسبت به قضا استحاله پيدا کرد، اطلاق هم استحاله پيدا مي‌کند.

در حقيقت اين فرمايش مرحوم اصفهاني(ره) اشکالي بر مرحوم آخوند خراساني(ره) است چون همان طور که در اول بحث عرض کرديم مرحوم آخوند(ره) فرموده: از اطلاق - اطلاق به هر دليلي - اجزاء را هم از حيث اعاده و هم از حيث قضا استفاده مي‌کنيم، که مرحوم اصفهاني(ره) خواسته بفرمايد: اطلاق از حيث قضا اصلاً وجهي ندارد، براي اينکه تقييد مأمور به اضطراري به آن فعل خارج وقت که از آن تعبير به قضا مي‌کنيم امکان ندارد و لذا اصلاً راهي براي اثبات اجزاء از حيث قضا در اطلاق نيست.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) براي اينکه آن فعل قضا یک واجب تعييني مستقل است و لذا نمي‌تواند قيد براي اين اطلاق قرار گيرد، شبیه اينکه هر واجب تعييني مستقل، نمي‌تواند قيد واجب تعييني ديگر قرار بگيرد، که در اینجا هم یک چنين مطلبي را بيان فرموده‌اند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) اگر مرحوم آخوند(ره) نظرش اين باشد که قضا تابع اداء هست، در اين صورت واجب مستقل نيست که اين را مي‌خواستيم در اشکال به مرحوم اصفهاني(ره) عرض کنيم.

اين خلاصه‌ي فرمايش مرحوم اصفهاني(ره) بود، البته ايشان یک اشکال و جوابي هم در اینجا دارند که ديگر ربطی به بحث اطلاق ندارد و آن را در ضمن مطالب ديگر ان شاء الله بيان مي‌کنيم.

پس اجمال فرمايش اصفهاني(ره) اين شد که اگر دليل اطلاق را «التراب أحد الطهورين» قرار دهيم، در اين صورت اطلاق به جميع آثار، هم اجزاء از حيث اعاده و هم از حيث قضا وجود دارد، اما اگر بخواهيم اطلاق در «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً» مطرح کنيم، در اینجا اگر از دو جهت اطلاق باشد، اجزاء از حيث اعاده و قضا هست، اما اگر از یک جهت اطلاق از بين برود، نه اجزاء از حيث اعاده است و نه اجزاء از حيث قضا.

در آخر هم فرموده‌اند: اصلاً نمي‌توانيم از اطلاق مأمور به اضطراري و دليل اضطراري اجزاء از حيث قضا را استفاده کنيم.

نقد و بررسي کلام اصفهاني

اشکال اول: نکته‌اي را که در جواب از آن اشکال دوم و سوم بر اطلاق بيان کرديم که اين نکته در جواب از مرحوم اصفهاني(ره) هم در اینجا مطرح مي‌شود، اصلاً در باب اطلاق، نياز به اطلاق براي نفي تقييد به تخيير نداريم، بلکه اطلاقي که در اینجا مورد نياز ماست، براي نفي تقييد به «واو» است و براي نفي تقييد به «أو» اصلاً نيازي به اطلاق نداريم.

در اینجا مرحوم آخوند(ره) خواسته بفرمايند: کسي که مأمور به اضطراري را انجام مي‌دهد، اگر قائل به اجزاء بشويم، ديگر اختياري لازم نيست و اگر قائل به اجزاء نشويم، اختياري لازم مي‌شود.

همين مقدار مي‌گوئيم که: تقييد به «واو» با اطلاق منتفي است، آن هم نه اطلاق لفظي، چون ظاهر فرمايشات مرحوم اصفهاني و مرحوم آقاي خوئي(قدس سرهما) و ظاهر فرمايشات ديگران اين است که اين اطلاق را اطلاق لفظي قرار داده‌اند، در حالي که اين اطلاق، اطلاق مقامي است، يعني مي‌گوئيم: مولا در مقام بيان تکليف و وظيفه مکلف بوده و فرموده: اگر مضطر شدي با

تیمم وضو بگیر، اما دیگر فرموده که: اگر اضطراب برطرف شد، باید اختیاری را انجام دهید، در حالی که در مقام بیان هم بوده است، لذا این اطلاق فقط نیاز به نفی تقیید به «واو» دارد و برای نفی تخییر اصلاً نیاز به اطلاق نداریم.

اشکال دوم: اشکال دوم در فرمایش اصفهانی(ره) همان اشکالی است که به فرمایش آقای خوئی(ره) بیان کردیم که ایشان فرموده: باید اطلاق از جهت این باشد که آیا اضطراب در تمام وقت هست یا در بعضی از وقت؟ که عرض کردیم این دیگر ربطی به اطلاق در مقام بحث اصولی ندارد.

اصولی می‌گوید که: «المضطر إذا عمل بتكليفه الإضطرابي...»، اما اینکه کسانی می‌گویند: مضطر کسی است که تمام وقت اضطراب داشته باشد و نه در بعضی از وقت، که اگر در بعضی از وقت اضطراب داشت، اصلاً دیگر مضطر نیست و از فرض بحث ما خارج می‌شود.

کسی که مضطر بر او صدق می‌کند، حالا به چه وسیله فهمیدیم که مضطر است یا نه؟ در اطلاق بحث اجزاء از حیث اصولی به آن نیازی نداریم و می‌گوییم که: این اطلاق دارد، هم اضطراب تمام وقت و هم اضطراب در بعضی از وقت را شامل می‌شود.

بحث ما این است که اگر کسی مأموره اضطرابی را آورد، بنا بر قول کسانی که می‌گویند: اضطراب در بعض وقت کافی است، این مأموره اضطرابی‌اش را آورده و بنا بر قول کسانی که می‌گویند: اضطراب در بعض وقت کافی نیست و باید در تمام وقت اضطراب باشد، در جایی که مکلف در بعض وقت اضطراب دارد، این اصلاً اضطراب نیست و مأموره اضطرابی‌اش لغو است و اصلاً نیاورده است.

به عبارت دیگر در اول بحث اجزاء عرض کردیم که محل نزاع در اجزاء جایی است که کسی مأموره اضطرابی‌اش را صحیحاً انجام دهد، که بنا بر قول مثل مرحوم آقای خوئی(ره) که فرموده: اضطراب در تمام وقت است، اگر کسی در اول وقت مضطر شود و نماز با تیمم بخواند، این اصلاً مأموره‌اش واقع نشده تا بگوییم که: آیا مجزی هست یا نیست؟ بنابراین این اشکال دوم هم به فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) وارد است.

اشکال سوم: اما آن اشکالی که فرموده‌اند: اطلاق هیچ ارتباطی به قضا ندارد، به نظر ما بطلان آن هم روشن است، چون اولاً در اینجا اطلاق لفظی را نمی‌گوییم که اگر اطلاق لفظی بود، بفرمایید: قضا یک واجب مستقل است و نه قید برای وجوب اختیاری است و نه قید برای واجب اضطرابی، بلکه می‌گوییم: این اطلاق، اطلاق مقامی است و اطلاق مقامی در آنچه که با این واجب مناسبت دارد که اگر مولا بیان نکند، کشف از این می‌کند که لازم نیست و در قضا هم ولو بگوییم که: قضا واجب استقلالی است و قابل ادا نیست، اما مناسبت دارد و اگر مولا فرمود: مأموره اضطرابی را انجام دهید و دیگر صحبتی از اعاده و قضا نکرد، از این کشف می‌کنیم که نه اعاده واجب است و نه قضا.

بنابراین این فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) هم وارد نیست و مجموعاً سه اشکال به کلمات مرحوم محقق اصفهانی(ره) وارد کردیم و در نتیجه اطلاق در جای خودش، هم نسبت به اعاده و هم نسبت به قضا ثابت است. کون صدا کلیک کنید

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين